

مجسمه‌سازی در فضاهای شهری*

دکتر حسنعلی پورمند^۱، محسن موسیوند^{۲*}

^۱ استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران، پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ،

هنر و معماری جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۶)

چکیده:

شهرهای امروزی، سرشار از عناصر و آرایه‌های نامناسب و آشفته هستند و شهروندان به نوعی غرق در این همه آشفتگی، نیازمند مواجهه با فضاهایی مناسب، زیبا و هماهنگ با محیط خود هستند. بی شک ورود هنر و به ویژه "مجسمه‌های شهری" به عرصه فضاهای شهری، یکی از مناسب‌ترین راه حل‌ها، جهت زیباسازی فضاهای محیطی و ساختن فضاهایی جهت تمرکز و تعامل شهروندان در شهرها می‌باشد. اگر این آثار هماهنگ و متناسب با فضای محیطی خود باشند، مجسمه در فضای شهری مورد نظر به شیوه‌ای هماهنگ قرار می‌گیرد و البته شهروندان هم می‌توانند به خوبی با آن ارتباط برقرار نمایند و به نوعی درک و سلیقه زیباشناسانه این مخاطبین نیز ارتقا می‌یابد. در این راستا، علاوه بر مهارت هنرمند در خلق یک اثر حجمی زیبا و متناسب، شناخت فضاهای شهری مورد بحث و تسلط هنرمند به آن نیز می‌تواند به توفیق هر چه بیشتر اثر بیانجامد. غرب، البته در این زمینه پیشتاز بوده است. در این مقاله فارغ از تمامی فضاهای متعددی که در شهرها یافت می‌شود، فضاهایی هنرمندانه و حاوی آثار زیبا و متناسب مجسمه‌های شهری پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

مجسمه، شهر، مجسمه شهری، فرم، فضا، فضای شهری.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم تحت عنوان "بررسی فرم مجسمه‌های شهری و ارتباط آن با فضای محیطی" می‌باشد.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۰۹۰۶، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۷۰۹۰۳، E-mail: m.musivand@yahoo.com

مقدمه

مانند انواع هنرهای تجسمی، نقاشی دیواری و ... اما یکی از مهم ترین و موثرترین انواع هنر که می تواند در فضاهای شهری، کارکرد مناسب و ارزشمند داشته باشد، هنر مجسمه سازی در محیط های شهری است. مجسمه های شهری با ویژگی هایی از جمله قابلیت اجرا در ابعاد و اندازه های بسیار بزرگ و متناسب با فضاهای محیطی و نیز قابلیت دیده شدن از زوایای گوناگون، از سایر هنرهای قابل اجرا در شهرها، متمایزند.

طراحی و ساخت فضاهایی عاطفه انگیز و حاوی عناصر و آرایه ها و آثار هنری، به ویژه مجسمه های شهری، به دلیل قابلیت های زیباشناسانه و تاثیرگذاری آن، می تواند در تسکین آشفتگی شهر و خستگی بصری شهروندان، مفید و در عین حال باعث ارتقای سلیقه و درک هنری و بصری شهروندان، به عنوان مهم ترین مخاطبین این آثار شود.

پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای نگاشته شده است.

در این پژوهش، مباحث عمده و اساسی و مرتبط در زمینه مجسمه سازی در فضاهای شهری، ارائه می شود و البته زمینه ها و موضوعات متنوع و جزئی تری از دل هر کدام از این مقولات می توان استخراج کرد که خود می توانند موضوعات پژوهش های عمیق دیگری گردند. مباحث و مثال ها هم به نوعی به وسعت جهان، گسترده است، هرچند به نوبه خود، می تواند جهت انجام پژوهشی مناسب و اختصاصی در حیطه ی فضاهای شهری کشورمان، راهگشای باشد...

امروزه شهرها به محل هایی برای انجام فعالیت های تکراری و زندگی ماشینی شهروندان تبدیل شده اند. خیابان ها و میادین انباشته از هرج و مرج و عوامل و عناصر مزاحم بصری، شنیداری و رفتاری گوناگونی است که شهروندان را به نوعی دچار آشفتگی روحی و جسمی حاد کرده اند. موضوعی که به راستی یک معضل در جامعه امروزی است؛ مساله ای که کشورهای پیشرفته را بر آن داشته تا به فکر حل این مشکل برآیند و یا دست کم در جهت تسکین این درد اقداماتی انجام دهند.

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چگونه می توان به زیباسازی فضاهای شهری پرداخت؟

و این که در جبران آشفتگی های بصری فضاهای شهری، هنر و به ویژه مجسمه های شهری، چه نقشی را می تواند ایفا نماید؟ به نظر می رسد گذشته از مسائل شهرسازانه، راه حل دیگری که می تواند تا حدود زیادی به جامعه خشک و پرهرج و مرج کنونی روح و نشاط ببخشد، ورود هنر به فضاهای شهری است. شهروند خسته از تمامی آشفتگی های بصری که در تمام مدت شبانه روز، بی آنکه خود بخواهد بر او دیکته می شوند، ناخودآگاه در شهر و فضاهای اطراف خود، به دنبال عناصر و پدیده هایی برای رفع خستگی بصری و روحی خویش است؛ این جاست که هنر می تواند چاره ساز باشد. وجود هنر در فضاهای شهری، بی گمان به تلطیف و زیباسازی محیط خواهد انجامید و شهر بیمار و خسته را تسکین خواهد داد.

هنرهای بسیاری را می توان ذکر کرد که در شهرها و محیط های مختلف قابل اجرا و دارای ارزش های کارکردی زیباشناسانه هستند؛

فضاهای عمومی شهری

ایجاد و مدیریت شوند عمومی تلقی می شوند، به طوری که کل مردم را مخاطب قرار داده و به روی همه باز بوده و توسط همه اعضای جامعه مورد استفاده قرار می گیرند (مدنی پور، ۱۳۸۷، ۲۶۴).

فضاهای عمومی شهری، مکان های ملموسی هستند که فعالانه بر زندگی ما اثر می گذارند. این فضاها، واجد ویژگی هایی مانند سرزندگی، تحرک، تحول مداوم، پیوستگی و گسستگی است. مهم تر این که همه گروه های اجتماعی می توانند در این فضاها حضور یابند (www.omidvarian.blogfa.com).

از جمله فضاهای مهم و وسیع، که البته می توانند محل های مناسبی نیز برای قرارگیری هنرهای شهری و به ویژه مجسمه های شهری باشند، میدان ها و پارک ها هستند.

در سطح یک شهر، فضاهای گوناگونی می توان یافت؛ از فضاهای خصوصی و خانوادگی تا فضاهای عمومی و متعلق به همه اهالی یک شهر. در عین حال آن فضایی که همه شهروندان به آن احساس تعلق خاطر دارند و با آن در ارتباطند، فضاهای عمومی یک شهر هستند.

فضاهای عمومی شهرها به جای آنکه با فضای خصوصی و صمیمی ارتباط داشته باشند تقریباً در همه جا و در همه زمان ها به عنوان مکان هایی خارج از مرزهای فردی یا گروه های کوچک قرار می گیرند، به طوری که بین فضاهای خصوصی واسط هستند و برای انواعی از اهداف نمادین و واقعی به کار گرفته می شوند. بنابراین از دیدگاه تشریحی، فضاهای عمومی فضاهای قابل دسترس و چند منظوره هستند که از قلمروهای انحصاری خانوار و فرد قابل تمایزند. از دیدگاه هنجاری این فضاها اگر توسط مسئولین دولتی

هنر عمومی و فضاهای شهری

هنر عمومی، در واقع می تواند هر نوع اثر هنری باشد. البته با آثار هنری که در یک مکان عمومی هم چون موزه، گالری یا هر مکان همگانی دیگر (که نمایش آثار تحت شرایط و ضوابطی است) به نمایش درمی آیند و هم چنین با آثاری که در مجموعه های شخصی هنری نگهداری می شوند، می تواند متفاوت باشد. بایستی توجه داشت که عنوان "هنر عمومی" دلیلی بر فاقد ارزش بودن اثر نیست؛ چرا که این آثار می بایست علاوه بر ویژگی های زیبایی شناسانه و هنری، به دلیل قرارگیری در مکان هایی که صرفاً مخاطب خاص ندارند بلکه با توده مردم مواجه هستند، سعی در افزایش سواد بصری و حس زیبایی شناسانه مخاطبان خود نیز داشته باشند (www.architect.nemoneh.com).

هنر همگانی به خاطر بافت کاملاً عمومی و مخاطبین گوناگونش گاهی به ساخته ای اجتماعی بدل می شود تا اثر هنری، از لحظه ی آغاز، به خاطر تلاش در خوشایند واقع شدن همگان یا شاید دقیق تر «اهانت نکردن به هیچ کس» در معرض تغییر قرار می گیرد. هنرمندان حرفه ای که به سنت های مدرنیسم گراییده اند به خوبی به این تناقض آگاهی یافته اند. یک اثر هنری معاصر که عمدتاً به توانایی بیان نکات بسیار شخصی وجدان با قراردادهای تکیه دارد، چگونه می تواند توسط کمیته ای از اعضای مختلف انتخاب شده در میدانی عمومی نصب گردد و نه تنها زنده بلکه موفق باقی بماند (بهرامی، ۱۳۸۲، ۱۳۴)؟

برایان او دوگرتی (Brian O Dougherty) هنرمند و منتقد، این عدم تجانس را چنین توصیف کرده است: «پیدا کردن اثر پیشرفته در هوای آزاد (فضاهای عمومی) مثل برخورد با دختر تحصیل کرده ای است که در خیابان کار کند» (هوارجی، ۱۳۸۱، ۳۳).

به طور کلی واژه "هنر شهری" شامل تمامی هنرهایی می شود که با مقاصد خاص و برنامه ریزی شده برای ناحیه ای مشخص از شهر طرح ریزی شده است. این هنر، قابلیت دسترسی ساکنین را برای مواجه شدن با یک اثر ممکن می سازد. همچنین واژه "هنر شهری" شامل هر اثر هنری است که قابلیت نمایش در فضای عمومی را دارد.

کلیه آثار تاریخی، یادبودها و مجسمه های شهری را می توان از کهن ترین آثار هنر شهری به شمار آورد. حتی بسیاری از جزییات یک اثر معماری گونه می تواند به خودی خود در زیرمجموعه هنر شهری قرار گیرد. چه بسا در زمان ساخت یک منطقه از محیط شهری، بسیاری از شاخه های هنر شهری لحاظ می شوند. مقوله هایی چون مبلمان شهری street furniture، نورپردازی، هنرهای گرافیتی از جمله مواردی هستند که در زمان ساخت یک منطقه باید مورد توجه قرار گیرند. نکته قابل توجه این است که "هنر شهری" تنها با حضور یک شیء فیزیکی تعریف نمی شود، بلکه مواردی چون فضایی برای اجتماعات، سالن های تئاتر و حتی فضایی شاعرانه زیرمجموعه هنر شهری به حساب می آیند (شهباز، ۱۳۸۸، ۳).

تأثیرات هنرهای عمومی در فضاهای شهری:

در این جا به طور مختصر به چند تأثیر و نقشی که آثار هنری همگانی به ویژه مجسمه های شهری در بافت اجتماعی و شهری ایجاد می نمایند اشاره می شود:

۱. ایجاد تنوع و سرزندگی در فضاهای شهری، ۲. خوانایی و ایجاد هویت، ۳. آموزش و پرورش ذهن، ۴. زیبایی و ارتقاء کیفیت بصری (حقیقت نائینی، ۱۳۸۰، ۱۰۵).

مجسمه سازی در فضاهای شهری

مجسمه های شخصی یک هنرمند، بر اساس احساس فردی او شکل می گیرد. سوژه آزاد است و همه چیز در نهایت آزادی است. این نوع مجسمه سازی بدون هیچ قید و شرطی به وجود می آید و عرضه می شود. مجسمه های شهری دارای این آزادی نیستند. به عبارتی، اغلب مجسمه ساز مجاز نیست هرچه دلش می خواهد بسازد تا در یک قسمت شهر نصب شود. عوامل بسیاری بر طرح او تأثیر می گذارند. در حقیقت، هنرمند به واسطه شرایطی خاص، مجسمه ای را طراحی و اجرا می کند که ممکن است حتی بعضی از ویژگی های آن لزوماً مورد قبول خودش هم نباشد. ممکن است مجسمه ساز دچار محدودیت هایی شود که ناگزیر فضای اطراف محل نصب مجسمه به او تحمیل کند. البته هنرمند می تواند در صورت امکان شاخصه های مجسمه سازی فردی خود را در مجسمه سازی سفارشی، از هر نوع، تعمیم دهد. اصولاً نتیجه خوب در مجسمه سازی سفارشی زمانی اتفاق می افتد که هنرمند بتواند بین سلاقی خود و تمامی عوامل مداخله گر اثر سفارشی، به یک تعامل و یک تعادل برسد (سالیانی، ۱۳۸۷، ۳).

مجسمه به طور خاص در هنر شهری کاربرد بسیاری دارد و دلیل آن استفاده از مصالحی است که تخریب شدن را به تعویق می اندازد. با وجود این حتی در مجسمه های شهری شاهد استفاده از مصالحی هستیم که تخریب پذیر هستند و اساساً برای ماندگار شدن طراحی نشده اند.

وجود فضایی بزرگ در شهر می تواند برای بسیاری از هنرمندان وسیله ای باشد تا بتوانند آثاری را که قادر به اجرا و نصب شدن در کارگاه ها و گالری ها نیستند، ممکن سازد؛ برای مثال هنرمندانی نظیر ریچارد لانگ Richard Long، روبرت اسمیتسون Robert Smithson، نوندا Nonda، و آنتونی گروملی Anthony Gromley، آثار هنری عظیمی را خلق کرده اند که کاملاً با محیطی که این مجسمه ها نصب شده اند، تطابق دارند. در ۱۹۶۰ هنرمند یونانی نوندا، یک سنت قدیمی دویست ساله را با ساخت مجسمه ای در زیر پل پن نوف در پاریس دوباره احیا کرد. در ۱۹۶۳ وی اسب تریان را ساخت (شهباز، ۱۳۸۸، ۳).

ویژگی مهم مجسمه سازی شهری، تأثیری است که در قیاس با سایر انواع مجسمه سازی از جمله مجسمه سازی فردی یک هنرمند دارد. در حقیقت، مجسمه شهری در یک نمایشگاه هنری دائمی با مخاطبین بی شمار به نمایش در می آید، و به همین دلیل

کمابیش همه نکات مهم که در طراحی یک تندیس بزرگ شهری مورد توجه قرار می‌گیرد، در آن مورد ملاحظه قرار گرفته است و بیش از آنکه عملکردهای درونی آن اهمیت داشته باشد، جنبه‌های یادمانی و همچنین دید شهروندان از زوایای گوناگون به آن مورد توجه بوده است (سلطان زاده، ۱۳۸۷، ۷).



تصویر ۱- برج آزادی، تهران
ماخذ: (www.marpich.com)

توجه به کارکردها: مجسمه‌های شهری از آن دسته آثار هنری هستند که کارکرد آنها یکی از مهم‌ترین فاکتورهاست. کارکرد فیزیکی و نیز کارکرد معنایی و مفهومی. مجسمه‌هایی هستند برای تمامی فصول و یکی از بهترین امکانات را برای تغییر فضا و سیمای شهرها به دست می‌دهند (مهاجر، ۱۳۸۶، ۱۳).

مجسمه‌سازی شهری در بهبود سازماندهی فضای شهر، که عرصه شکل‌گیری عمومی‌ترین و ملموس‌ترین عواطف شهروندان است (عواطف مربوط به فضا و فرم) نقشی ویژه دارد؛ نقشی که از عمل و دانش مجسمه‌سازانه توامان بهره می‌گیرد. مجسمه‌های شهری در ایجاد هویت بصری، هویت معنایی و مکانی نقش دارند. مجسمه‌سازی شهری، با تأکید بر کاربرد رابطه با معماری و ایجاد نقش متقابل با عوامل جغرافیایی، به غنای معنایی و انسانی شهر کمک می‌کند.

پس مجسمه شهری از عوامل ضروری سازماندهی فضای شهری است و نقشی ویژه را دارد. همچنین امری تخصصی است و بایستی بر اساس مشخصات محیط شهری شکل گیرد. مجسمه شهری با شیوه‌های گسترش‌نوسازی و نگهداری بافت جدید و قدیم شهر مرتبط است و باید طرح عمومی و منظر کلی برای آن متصور شد. برای آن که مجسمه شهری در جایگاه واقعی خود قرار گیرد، و نقش خود را به خوبی ایفا کند، بایستی پیش شرط‌های لازم فراهم آید. ضرورت ایجاد مراکز تخصصی آموزش هنر محیطی و شهری و شرایط ایجاد گروه‌های کاری مربوطه و همچنین ایجاد زمینه مساعد اقتصادی برای گسترش فعالیت‌های هنر محیطی از جمله ضروری‌ترین نیازهای رشد این حرفه است... (شانس، ۱۳۸۷، ۶).

در طراحی یک مجسمه شهری برای یک فضای محیطی خاص، مهم است که هنرمند مجسمه‌ساز به هدف نصب، توجه کافی داشته باشد. یک مجسمه ممکن است صرفاً جهت مسائلی زیبایی شناسانه و تلطیف فضای شهری، طراحی و نصب شود. یکی از کارکردهای مجسمه شهری، به ویژه در کشورهایی با تمدن غنی،

هم در ارتقای دانش تجسمی جامعه به مراتب موثرتر از سایر مجسمه‌هاست (ره‌نورد، ۱۳۸۷، ۴).

مجسمه‌های شهری، نه تنها به غنای بصری شهر و فضای زیست اجتماعی ما کمک می‌کنند، بلکه به عنوان نمادها و نشانه‌هایی از فرهنگ و هویت جمعی ما قابل استناد هستند و از این بابت است که باید رویکردی تازه‌تر و جدی‌تر به آنها داشت.

مجسمه‌های شهری که قبل از هر چیز به ایجاد تنوع در فضای بصری شهرها کمک می‌کنند، می‌بایست حائز ویژگی‌هایی باشند که از آن جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد که همایون ثابتی مطلق از آنها یاد می‌کند: «مجسمه‌های شهری تفاوت‌هایی اساسی با انواع مجسمه‌هایی که در موزه‌ها و گالری‌ها می‌بینیم دارند. این نوع مجسمه‌ها باید در منظر زیبایی‌شناختی یک اثر هنری کامل باشند، به این معنی که در خلق آنها نباید تنها به کارکردشان توجه داشت. مجسمه‌های شهری در ارتباط مستقیم با مردم هستند و لاجرم باید بتوانند با روحيات جمعی مردم و واقعیت‌های اجتماعی آنان ارتباط برقرار کنند. هر فضا و موقعیتی فرهنگ خاص خودش را دارد و مجسمه‌ای که در آن فضا قرار می‌گیرد، باید با موقعیت و فرهنگ مردمی که از مقابلش می‌گذرند سنخیت داشته باشد. این مجسمه‌ها باید بتوانند به سرعت تأثیر زیبایی‌شناختی بر مخاطب خود بگذارند، چرا که مخاطب این آثار تنها برای دیدن آنها به شهر نمی‌آیند و در نهایت این مجسمه‌ها باید بتوانند پیام و مفهومشان را به سرعت به مخاطبان خود انتقال دهند» (مهاجر، ۱۳۸۶، ۱۰).

در مجموع می‌توان گفت که مجسمه‌های شهری محمل بسیار مهم و در عین حال حساسی در زیباسازی و هویت‌دهی به فضاهای عمومی است، چنان که هنری مور معتقد است: "...مجسمه‌سازی بیش از نقاشی (که به طور عمومی محدود به بیان درونی است)، هنری متعلق به توده است" (مور، ۱۳۸۵، ۷).

در یک شهر، حضور بناها و آثار معماری گوناگون را به جهت خصوصیات زیبایی‌شناسانه، می‌توان به نوعی در مقوله آثار حجمی قرار داد. وجود بناهای زیبا و مناسب می‌تواند به زیباتر کردن فضاها و چشم‌اندازهای شهری بیانجامد؛ که این مساله خود، توجه بیشتر به طراحی معمارانه را در این آثار می‌طلبد.

وقتی به معماری مجسمه‌وار اشاره می‌شود، غالباً به نوعی فضای معماری اشاره می‌گردد که از لحاظ بصری محدوده‌ای معین را پوشش می‌دهد؛ هرچند ممکن است بخشی از این محدوده یا تمامی آن، قسمتی یا تمامی یک مجموعه فضای شهری را دربرگیرد. در حالی که وقتی به فضاهای شهری اشاره می‌شود، غالباً مجسمه یا هر عنصر تندیس‌گونه‌ای را می‌توان به یک عنصر یا فضا در محدوده و عرصه فضای شهری در نظر گرفت. شاید در یک تعریف عمومی و گسترده به ساختمان‌های تندیس‌گونه در فضاهای شهری بتوان عنوان معماری تندیس‌گونه داد. برای مثال می‌توان به طاق نصرت در روم باستان و به تبعیت از آن، به طاق نصرت‌هایی که بعدها در دیگر سرزمین‌های اروپایی شکل گرفت، اشاره کرد. به این ترتیب شاید بتوان بنای برج آزادی در میدان آزادی تهران را در بین فضاهای تندیس‌گونه طبقه‌بندی کرد (تصویر ۱)؛ یعنی فضایی که



تصویر ۲- جفری بارتلت، ائورورا، ملبورن.
ماخذ: (www.geoffreybartlett.com)

تکمیل طراحی خود از مدل های سه برنامی Auto CAD استفاده می کند. ائورورا، بر نفوذ و پتانسیل فناوری در طراحی پویا، نورپردازی و نیز ارتباط با آب نمای محوطه تأکید می کند (جامی، ۱۳۸۸، ۲۶).

۲- میدان ترافالگار

میدان ترافالگار (Square Trafalgar) (تصاویر ۳ و ۴) میدانی در مرکز لندن انگلستان است که از جاذبه های توریستی و یکی از معروفترین میدانی در بریتانیا و جهان است. میدان همچنین به عنوان یک محل برای تظاهرات سیاسی و اجتماعات محلی، مانند جشن شب سال نو در لندن استفاده می شود (www.wikipedia.org).
میدان ترافالگار، در ۱۸۴۵ م ساخته شده و به مناسبت بزرگداشت پیروزی دریا سالار نلسون در نبرد ترافالگار، چنین نام گذاری شده



تصاویر ۳ و ۴- میدان ترافالگار، لندن.
ماخذ: (www.wikipedia.org)

مانند کشورمان، ارتقای کیفیت بصری و فرهنگی محیط شهری است؛ که البته نیاز است هنرمند از عناصر و داشته های فرهنگی و تاریخی مکان در طراحی و اجرای اثر خود استفاده کند و یا در مواردی، مجسمه شهری جهت القای یک مفهوم یا معنای خاص، و برای فضاسازی ویژه ای سفارش داده می شود، در این گونه موارد نیز این هنرمند مجسمه ساز است که می بایست میان تمامی عناصر حجمی، محیطی و مفاهیم مستتر در اثر ارتباط و هماهنگی لازم را برقرار سازد.

همچنین "از جمله عملکردهای مهم دیگر مجسمه های شهری، ایجاد حس مکان و هویت تعریف شده و القاء روحیه خاص در فضا با تقویت روحیه یک فضااست. البته تعریف این عنصر و متمایز ساختن از سایر عناصر مبلمان شهری و آثار حجمی چندان ساده نیست و هر تعریفی در این زمینه نسبی است، چرا که مجسمه سازی یک رشته هنری است و هنر نیز تعاریف محدود و مشخص را بر نمی تابد" (www.arti.ir).

نمونه هایی از مجسمه های شهری

بسیاری کشورها، در راستای رسیدن به اهداف کاربردی و زیبایی شناسانه در فضاهای شهری، هنرهای عمومی را در این فضاها به خوبی نشانده اند و البته یکی از مهمترین این هنرها طراحی و ساخت مجسمه های شهری است؛ و در این راستا به اقدامات گوناگونی دست زده اند. مجسمه های شهری، هنر را به میان مردم می آورند، از این رو می توانند مردم را با سبک های هنری قدیمی یا جدید آشنا سازند و بر دانش هنری و سواد بصری آنها بیافزایند (www.ceta.mihanblog.com). در اینجا نمونه هایی موفق از مجسمه های شهری، که در خود حاوی نکاتی آموزنده هستند، عرضه می گردد:

۱- ائورورا / جفری بارتلت / ملبورن - استرالیا:

مجسمه ائورورا (Aurora) اثر جفری بارتلت (Geoffrey Ba - tlett)، که در چهارراهی پر رفت و آمد نزدیک منطقه داکلند (Dock-lands) ملبورن قرار دارد (تصویر ۲)، ترکیبی از منحنی هایی است از جنس استیل که به سازه های مهندسی و توانایی و قدرت کارهای مکانیکی اشاره دارد. ائورورا، احساس صلابتی را که در نیرو و امکانات فناوری (تکنولوژی) است، در کالبد مجسمه ای بیان می کند که اشکال شبکه مانند (تورهای فلزی) به کار رفته در آن یادآور سبدهای حمل کالا در کشتی (Cargo) است.

تأثیر هیجان انگیز کار زمانی خود را نمایان می کند که در شب قسمت داخلی بخش بالا روشن می گردد و بدین طریق پاها کم تر دیده می شود و به نظر می رسد مدارهای (شبکه ی توری) درخشنده بر فراز خیابان غوطه ور است. محل قرارگیری اثر در محدوده ی تجاری ملبورن است و بیان بدان معناست که (حجم آن) می بایستی، علاوه بر سه جهت از بالای آپارتمان ما، حس پویایی خود را حفظ کند. عابران می توانند از زیر یا میان اثر حرکت کنند. بارتلت برای

۴- مجسمه فردوسی اثر ابوالحسن خان صدیقی

اماد ایران یکی از بهترین نمونه های مجسمه های شهری، بی گمان مجسمه "فردوسی" اثر استاد ابوالحسن خان صدیقی است (تصویر ۶). استاد ابوالحسن خان صدیقی، یک تنه کوشید که مفاخر ایران را با واقعی ترین چهره ایرانی شان مجسم کند و از این بابت آثارش تاکنون در این جامعه بی همتا و بی رقیب است. تجسم چهره های مفاخر فرهنگی ایران به او سپرده می شود و در چنین فرصتی است که صدیقی پایه های محکم پیکرتراشی و مجسمه سازی معاصر را برپا می کند (ممیز، ۱۳۸۸، ۷).

این اثر در قلب میدان فردوسی تهران و در اندازه و ارتفاع مناسب، برای دیده شدن از جهات گوناگون و اطراف میدان، اجرا و نصب شده است. خود اثر نیز به لحاظ شیوه و تکنیک اجرا بسیار خوب کار شده است. ماده کار سنگ است که به دوام اثر کمک نموده است.

به غیر از نمونه هایی که از مجسمه سازی شهری در فضاهای گوناگون ذکر شد، می توان به تاثیر گذاران بر مجسمه سازی شهری قرن بیستم اشاره کرد:

آگوست رودن، کنستانتین برانکوزی، الکساندر آرشیپنکو، ژاک لیبشیتس، اولیپ زادکین، اومبرتو بوتچونی، ولادیمیر تاتلین، الکساندر رودچنکو، آنتوان پوسنر، نوام گابو، لازلو موهولی ناگی، زان هانس آرپ، خولیو گونزالس، الکساندر کالدر، ایسامونوگوچی، هنری مور، باربارا هپورث، جاکومو مانتزو، دیوید اسمست، خوزه ریورا، هربرت فویر، لیت چادویک، ماتیاس گریتس، کلاس اولدنبرگ....



تصویر ۶- ابوالحسن خان صدیقی، مجسمه فردوسی، میدان فردوسی تهران. ماخذ: (عینی، ۱۳۸۸، ۸)

است. تعدادی از ساختمان ها و بناهای یادبود معروف لندن همچون نگارخانه ملی لندن، کلیسای سنت مارتین-این-د-فیلدز و ستون نلسون در اینجا قرار دارند و گردشگران را به خود جذب می نمایند. از دیگر عوامل معروفیت میدان ترافالگار، وجود حوضچه و فواره ای است که در میان آن قرار گرفته و مکان مناسبی را برای استراحت و آرامش بازدیدکنندگان به وجود می آورد (www.fa.wikipedia.org).

ستون معروفی که در قلب میدان سربرافراشته است، به لحاظ کارکرد نمادین و زیبایی شناسانه موفق می نماید؛ حجمی که با ارتفاع بلند و مرکزیت خود، مخاطبین مختلف را از فواصل دور و نزدیک جذب می نماید و از لحاظ هماهنگی با محیط پهناور اطراف و انطباق با مفهوم مستتر در میدان، مناسب است.

۳- مجسمه موزیکال انتاریو - کانادا

برخی از گونه های مختلف مجسمه های شهری به این منظور طراحی شده اند که مردم آن ناحیه را تشویق کنند حرکتی خاص از زندگی روزمره خود را انجام دهند. مثال آن را می توان نصب مجسمه ای در مرکز میدان موزه علوم در انتاریو واقع در کانادا نام برد (تصویر ۵). این مجسمه موزیکال به عموم این اجازه را می دهد در هر زمان بتوانند خود موزیکی خلق کنند. مردم جلوی حرکت آب را می گیرند و در نتیجه حرکت آب در جهتی دیگر با فشار زیاد ایجاد می شود و مکانیسم داخل مجسمه امکان رسیدن تولید را فراهم می سازد (شهباز، ۱۳۸۸، ۳).

تصویر ۵- مجسمه موزیکال، انتاریو، کانادا. ماخذ: (شهباز، ۱۳۸۸، ۳)

نتیجه

می توان ذکر کرد که هرکدام به نوبه خود، می توانند تا حدودی التیام بخش باشند، مانند کنترل ترافیک سرسام آور، طراحی صحیح فضاهای شهری، به کارگیری متخصصین و خبرگان شهری و... اما یکی از مهمترین راهکارها که بسیاری کشورهای پیشرفته را به خود مشغول داشته، سوق دادن هنر به فضاهای شهری و در میان شهروندان - به عنوان مخاطبین اصلی این آثار - است به منظور

با توجه به روند رو به رشد شهرها، و البته افزایش تصاعدی عناصر و آرایه های متنوع جوامع شهری مدرن و به نوعی آشفتگی های مضاعف بصری که شهروندان را به تقابل می خوانند، لزوم پرداختن به نوعی نظم حاکم بر فضاهای شهری و به نوعی جبران تلاطم و پیچیدگی های صوری در شهرها امری است اجتناب ناپذیر. در جهت رفع این معضل، راهکارهای متعدد و متنوعی

هماهنگ با هر محیط، قابلیت دیده شدن از زوایا و جهات گوناگون و نیز اینکه بتوانند حاوی مفاهیم و معانی ویژه، در راستای کارکردهای خاص یک مجسمه شهری باشند، می توانند در این زمینه بسیار مفید باشند. وجود این آثار می تواند در وهله اول باعث جذابیت فضای مورد نظر و به نوعی تمرکز شهروندان در آن شود، به علاوه وجود آثاری موفق، می تواند در نهایت باعث ارتقا و افزایش سواد و سلیقه هنری و بصری شهروندان شود.

جهت توفیق هرچه بیشتر در زمینه انجام موفق مجسمه سازی شهری، به ویژه در کشورمان، که به این لحاظ کاملاً فقیر به نظر می رسد، الگو برداری صحیح و البته متناسب با داشته های فرهنگی، هنری و تاریخی خودمان می تواند بسیار چاره ساز باشد. توجه به نمونه های موفق مجسمه سازی شهری در دنیا، برگزاری سمپوزیوم های مجسمه سازی شهری و به یاری طلبیدن گروهی خبره از شهرسازان، طراحان و هنرمندان مجسمه ساز برجسته و طراز اول، می تواند در جبران کمبودهای موجود در زمینه مجسمه سازی در فضاهای شهری، یاری رسان باشد...

زیباسازی فضاهای شهری، ارتباط موثر شهروندان با آثار مذکور، انتقال مفاهیمی خاص، و کارکردهای دیگر که در هر مورد خاص، می تواند منحصر به فرد باشد.

هنرمند مجسمه ساز می بایست علاوه بر تسلط کافی بر هنر مجسمه سازی و داشتن بیانی ویژه و نو در این زمینه، به اصول و ملزومات خاص فضاهای شهری و درک صحیح این فضاها نیز آشنا باشد، تا در نهایت اثر حجمی وی بتواند در فضای شهری مورد نظر به خوبی قرار گیرد و با سایر عناصر و آرایه های موجود در محیط، کاملاً هماهنگ باشد، نه این که خود به عنوان عنصری مزاحم و نامتناسب، بر آشفتگی های شهر بیافزاید.

در مجموع در اینجا، بنا به موارد منتج از این پژوهش، علاوه بر فضاهای متعدد و گوناگونی که در شهرها یافت می شود، طراحی و ساخت فضاهایی هنری پیشنهاد می گردد؛ فضاهایی که شاخص ترین ویژگی آن، داشتن یک اثر مجسمه شهری زیبا و درعین حال هماهنگ و متناسب با فضای محیطی اطراف است. مجسمه های شهری، به لحاظ قابلیت اجرا در ابعاد و اندازه عظیم و

فهرست منابع

- بهرامی، محمد (۱۳۸۲)، مجسمه های شهری و میدانی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر، جامی، سهیلا (۱۳۸۸)، سه گانه های شهری، نشریه تندیس، ۱۵۳، ص ۲۶.
- حقیقت نایینی، غلامرضا (۱۳۸۰)، جستاری در نقاشی و تاثیر آن در شهرسازی، نشریه فصلنامه هنر، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۰۲.
- رهنورد، زهرا (۱۳۸۷)، نمایشگاهی دائمی، نشریه تندیس، شماره ۱۳۹، ص ۴.
- سالیانی، ناهید (۱۳۸۷)، ضرورت حساسیت، نشریه تندیس، شماره ۱۳۹، ص ۳.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۸۷)، مجسمه سازی برای فضاهای شهری، تندیس، شماره ۱۳۹، ص ۷.
- شانس، حمید (۱۳۸۷)، عرصه های حضور مجسمه سازی، نشریه تندیس، شماره ۱۳۹، ص ۶.
- شهباز، دلبر (۱۳۸۸)، شهر و هنر شهری، تندیس، شماره ۱۵۳، ص ۳.
- عینی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، یاد زنده یار، نشریه تندیس؛ ویژه ابوالحسن خان صدیقی، صص ۸-۶.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری؛ مترجم فرهاد مرتضایی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
- ممیز، مرتضی (۱۳۸۸)، صدیقی استاد بی همتای مجسمه سازی، نشریه تندیس، ویژه ابوالحسن خان صدیقی، ص ۹.
- مور، هنری (۱۳۸۵)، مجسمه سازی در جامعه مدرن؛ ترجمه سهیلا سید یوسفی، نشر دیگر، تهران.
- مهاجر، آذر (۱۳۸۶)، آثاری برای تمام فصول، نشریه همشهری، ۱۳۸۶/۲/۲۲، صص ۱۰-۱۴.
- هواردجی، اسماعیلا (۱۳۸۱)، گرایش های معاصر در هنرهای بصری؛ ترجمه فرهاد غبرایی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- آرتی (...)، مجسمه شهری، قابل دسترسی در سایت: <http://www.art.ir> (۱۳۸۹/۶/۱۲).
- آرچیتکت (...)، بارسلونا، قابل دسترسی در سایت: <http://www.architects.ir> (۱۳۸۹/۶/۱۲).
- روشنندان (۱۳۸۸)، فضاهای عمومی شهری، موضوع سایت: معماری، قابل دسترسی در سایت: <http://www.omidvaran.blogfa.com> (۱۳۸۹/۶/۱۰).
- سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۵)، مجسمه شهری، قابل دسترسی در سایت: <http://www.ceta.mihanblog.com> (۱۳۸۹/۶/۱۲).
- مارپیچ (۱۳۸۸)، برج آزادی، قابل دسترسی در سایت: <http://www.marpiich.com> (۱۳۸۹/۶/۱۱).

ویکیپدیا (۲۰۱۰)، میدان ترافالگار، قابل دسترسی در سایت: (<http://www.fa.wikipedia.org>) (۱۳۸۹/۶/۱۲).

Bartlett, Geoffrey (...), *Aurora*, available at: <http://www.GeoffreyBartlett.com> (1.Sep.2010).

Wikipedia (...), *Trafalgar Square*, available at: <http://www.wikipedia.org>. (12.sep.2010)